

ترکیه: در چنبره تضادهای سرمایه داری و اسلام گرائی

بهباد مالکی بهمن ماه ۱۳۹۴

ضربه انتخاباتی ۷ ژوئن ۲۰۱۵ بر پیکر حکومت اسلام گرای ترکیه، نقطه پایانی بود بر سرعت بالا رونده حزب حاکم «عدالت و توسعه» و رهبر جاه طلب آن «رجب طیب اردوغان» که در صدد کسب قدرت انحصاری از طریق تغییر قانون اساسی است. روند اسلام گرائی و رشد فزاینده نئو لیبرالیسم در مدتی که این حزب به قدرت رسیده، با پیش زمینه های ایدئولوژیک نو- عثمانی (پان ترکیسم) و پان اسلامیسیم، جامعه ترکیه را با بحران سیاسی- ایدئولوژیک کم سابقه ای روبرو کرده و به بحران اقتصادی آن دامن زده است. بررسی این مسأله برای ما از اهمیتی دوگانه برخوردار است. از یک طرف ترکیه- به عنوان قدرتی منطقه ای- در یک رقابت استراتژیک با دو قدرت توسعه طلب دیگر یعنی ایران و عربستان بر سر رهبری «دنیای اسلام» قرار دارد. (منظور از «دنیای اسلام» اساساً کشورهای مسلمان نشین منطقه خاور میانه است. طبیعی است که کشورهایی مانند اندونزی، پاکستان، بنگلادش، افغانستان و غیره هم مورد نظر پان اسلامیسیم ها هستند اما تا آنجا که به رژیم های ترکیه، ایران و عربستان مربوط می شود، کشورهای خاور میانه، شرق مدیترانه و آفریقای شمالی اولویت دارند). ترکیه که عضو پیمان ارتجاعی ناتوست، هیچگاه داعیه رهبری جهان اسلام را که در طی چند قرن در دوره امپراتوری عثمانی یدک می کشید را نکرده است. اردوغان در سخنرانی هایش بارها اعلام کرده است که هدف ترکیه رهبری جهان اسلام و تحقق وحدت و همبستگی جهان اسلام است. اشارات او در کنگره چهارم حزب عدالت و توسعه، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۲ بروشنی این استراتژی را توضیح می دهد. «اردوغان بر رهبری جهان اسلام به جای عضویت در اتحادیه اروپا تاکید کرد و آن را هدفی برای خود و گروه همراهش دانست. در عین حال در این چارچوب کنگره حزب عدالت و توسعه به کنگره بزرگ اخوان المسلمین در جهان اسلام تبدیل شد که در آن عالی ترین رهبران مصر و تونس و فلسطین نیز حضور داشتند.» (<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1907515>) بدنبال شرکت در این نشست، خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین- حماس - گفت: «رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه نه تنها رهبر ترکیه بلکه یک رهبر جهان اسلام است.» حزب عدالت و توسعه که رهبری آن را رجب طیب اردوغان بر عهده دارد، شماری از مسئولان کشورها و رهبران احزاب مختلف را برای حضور در کنگره دعوت کرده است. محمد موری رئیس جمهور مصر، اسامه النجیفی رئیس پارلمان عراق، احسان کجک نخست وزیر بخش ترک نشین قبرس، المازیک اتامبایف رئیس جمهور قرقیزستان، علی عثمان محمد طه معاون رئیس جمهور سودان، طارق الهاشمی معاون رئیس جمهور عراق، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق، محمد شهباز شریف نخست وزیر اقلیم پنجاب پاکستان، امین جمیل رئیس جمهور اسبق لبنان، گرهارد شرودر صدر اعظم سابق آلمان، یوسف رضا گیلانی نخست وزیر پاکستان، راشد الغنوشی رئیس حزب اسلامگرای نهضت تونس و خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس، از جمله شخصیت های حاضر در کنگره حزب حاکم ترکیه بودند. از سوی دیگر، هم از جانب غرب و هم از طرف نئو لیبرال های اسلام گرای ایران و سایر کشورهای مسلمان نشین، ترکیه به عنوان مدلی مطلوب از پیوند اسلام حکومتی و «دموکراسی» عرضه می شود و از این نظر به غلط با دموکرات- مسیحی های اروپائی مقایسه می گردد.

حوادثی که در چند ماهه بعد از این انتخابات تا انتخابات زودرس ماه سپتامبر، اتفاق افتاد، نشان داد که در پس پرده اصلاح طلبی اسلامی اردوغان و ناسیونالیسم بلندپروازانه او چهره ای تمامیت خواه نهفته است که برای رسیدن به اهدافش از هیچگونه اقدامی ولو

فاشیستی خودداری نمی کند. موج سرکوب روشنفکران و روزنامه نگاران، به دنبال بستن روزنامه ها و رسانه های مخالف تا از سرگیری جنگ باحزب کارگران کردستان (PKK) و تشدید سرکوب کردها، به بهانه های واهی و زیر پا گذاشتن قرارهای صلح با آنها و همراه شدن این اوضاع با بمب گذاری های مشکوک که به قتل عام بیش از صد تن از تظاهرات کنندگان لائیک و چپ منجر شد، همه در خدمت این هدف قرار گرفتند که جو عمومی جامعه را نا امن نموده، زمینه را برای نزدیکی افراتیون راست به قدرت حاکم فراهم سازند، تا حکومت به جلب آرای خرده بورژوازی شهری و روستائی بپردازد که علیرغم نارضایتی از سیستم حاکم، به گفتمان امنیتی و شرایط ناآرام حساس هستند. بدین سان حزب اردوغان در آخرین انتخابات برنده شد ولی بازم نتوانست اکثریت مطلق را برای تغییر قانون اساسی به دست آورد.

سیاست خارجی ترکیه اسلامی هم بازتابی از ماهیت این حکومت است. که تبارز عمده آن را درسیاست ارتجاعی ترکیه در سوریه و دفاع از داعش و سرکوب و کشتار وسیع کردها - چه در ترکیه و چه در سوریه - شاهد هستیم. این سیاست ماجراجویانه را نخست وزیر ترکیه «احمد داود داغلو» بدین صورت تئوریزه کرده که منطقه خاورمیانه و شاخ آفریقا را بر مبنای دیدگاه نو- عثمانی خویش جزئی از «امپراتوری ترکیه» می داند. (۱) بهار عربی برای ترکیه نیز مانند سایر قدرت های جهانی و منطقه ای فرصتی فراهم آورد که کارت های خود را در صحنه بازی های خاورمیانه و شمال آفریقا بیازماید و جا پاهائی برای تحقق رؤیاهای قدیمی ترک ها بیابد. حمایت فعال از اسلام گرایان تونس و اخوان المسلمین مصری و خلافت اسلامی داعشی در عراق را در پرتو این دیدگاه می توان ارزیابی کرد. نگاهی به پیش زمینه های حوادث جاری ترکیه و توضیح مفصل تر مطالب فوق، به ما در فهم بهتر آن کمک می کند.

جمهوری جدید ترکیه، از دل ویرانه های جنگ اول و شکست امپراتوری فرتوت عثمانی در ۱۹۲۳ با رهبری مصطفی کمال آتاتورک سربر آورد. کمالیستها در طی دورانی طولانی تا سال ۲۰۰۲ رژیم استبدادی را با فراز و نشیب های متعدد در بحیثیات سیاسی ترکیه مسلط کردند. این رژیم وظیفه همراهی زایش سرمایه داری و وابسته ترکیه را از دل جامعه نیمه- فئودالی از یکسو و جلوگیری از خیزش یک جنبش دموکراتیک و کارگری را در دستور کار خویش قرار داد. ظهور این جمهوری با انقلاب اکتبر در روسیه و استقرار دولت بلشویکی در مناطق همجوار ترکیه همراه شد و وضعیت جغرافیایی- سیاسی جدیدی بوجود آورد که در آن ترکیه، حلقه مهمی در استراتژی دولتهای امپریالیستی غرب در شرق مدیترانه و خاورمیانه بود و با پیوستن به پیمانهای منطقه ای چون بغداد (بعداً " سنتو) و ناتو، جلودار جبهه غرب علیه شوروی و مقابله با دولتهای هوادار آن در خاور میانه گردید. اصلاحات ارضی نیم بندی که کمال مصطفی شروع کرده بود با شروع جنگ دوم متوقف شد. این اصلاحات پس از ۱۹۴۵ با کمک طرح مارشال از سر گرفته شد و با کندی بسیار به اجرا درآمد اما به تدریج متوقف گردید. در سال ۱۹۵۰ حکومت از حزب جمهوریخواه مردم (حزب کمالیست) به جلال بایار از حزب دموکرات - حزبی که زیر نفوذ زمینداران بزرگ بود منتقل شد و عدنان مندرس - نماینده زمینداران بزرگ - به نخست وزیری رسید. (باشاک اوزورال، تحول ترکیه و جلال بایار، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا- اوت ۲۰۰۴). دو باره در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قوانینی در این زمینه به تصویب رسید که زمینه را برای رشد سرمایه داری فراهم می کرد ضمن آنکه به منافع زمینداران بزرگ، به ویژه آنهایی که به شیوه مدرن کشاورزی روی آورده بودند، لطمه ای وارد نیاورد. به این ترتیب، در دهه ۱۹۷۰ اصلاحات ارضی شبیه اصلاحات ارضی ایران در ترکیه به وجود آمد که نتیجه آن از یک سو گسترش روابط سرمایه داری در کشاورزی و سلطه سرمایه داری بر کل اقتصاد ترکیه و ایجاد یا تقویت زمینداران بزرگ مدرن بود؛ و از سوی دیگر انبوه وسیع دهقانان کم زمین (تعداد بسیار زیادی واحدهای کوچک کشاورزی) و جمعیت فزاینده کارگران کشاورزی. اصلاحات روبنائی و مدرنیته کمالی در حد رفع حجاب از زنان و سکولاریزه کردن نسبی سیستم دولتی و آموزشی، باقی ماند. و مانند همپرازش رضا شاه از بوجود آوردن تغییراتی بنیادی در مناسبات حقوقی و سیاسی باز ماند. استبداد سیاسی همراه سر نیزه نظامیان تا به امروز بر حیات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی ترکیه سایه افکنده است.

. حزب جمهوری خواه ترکیه برای مدتی طولانی پس از جنگ جهانی اول، دولت تک حزبی را نمایندگی می کرد. در ترکیه اولین انتخابات آزاد به مفهوم رایج آن، پس از جنگ دوم و در سال ۱۹۵۰ برگزار شد و به دوران سی ساله تک حزبی پایان داد. با این حال

ارتش تا اواسط دهه نود میلادی نقش اصلی را در صحنه سیاسی ترکیه بازی می کرد. وضعیتی که مانع از گسترش حزب گرائی و سندیکالیسم و رونق بازار انتخاباتی در مقاطع گشایش سیاسی نشد (۲).

شرکت کارگران در حرکت ها و اعتراضات اخیر در استانبول و آنکارا نشانی از آن است. جنبش کارگری ترکیه در جریان سه کودتای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ - دچار سرکوبی بیرحمانه گردید. در جریان کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به رهبری «کنان اورن» که حکومتی نظامی- فاشیستی بر ترکیه حاکم شد، حدود ۵۰ نفر از فعالان کمونیست در ملا عام اعدام و بیش از سی هزار نفر دستگیر شدند که ۶۰۰ نفر از آنها به زندانهای طولانی محکوم شدند. بعداً با اجازه ارتش سه حزب «مادر وطن» - «حزب عوام» و «حزب دموکراسی ملی» شروع به فعالیت کردند. همراه با این احزاب، طیف وسیعی از سندیکاها و اتحادیه های کارگری در ترکیه فعال شدند. اتحادیه معلمان در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد که ۲۰۰ هزار عضو دارد و متشکل از ۶ سندیکای معلمان است. تا قبل از ۲۰۰۲ طیف وسیعی از احزاب چپ و ناسیونالیستی در ترکیه شکل گرفتند. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲ و تأسیس سندیکاهای دولتی که با حمایت دولت رشد کردند، جنبش سندیکائی مستقل ضعیف شد. در سال ۲۰۰۹ سندیکای کارمندان نزدیک به دولت به بزرگترین کنفدراسیون ترکیه تبدیل شد.

ظهور احزاب محافظه کار و اسلام گرا از جمله حزب رفاه، در دهه ۹۰ عامل جدیدی را در شطرنج سیاسی ترکیه وارد کرد. این حزب در انتخابات ۲۴ دسامبر ۱۹۹۵ با ۲۱,۴٪ آراء به عنوان اولین حزب در انتخابات پیروز گردید. حکومت یک ساله حزب رفاه با فشار ارتش و سایر نهادهای حافظ دولت سکولار و کمالیسم کنار گذاشته شد. در سال ۱۹۹۷ حزب اسلام گرای رفاه در ترکیه منحل و نجم الدین اربکان از نخست وزیری ترکیه برکنار شد و از فعالیت سیاسی منع گردید. او با تعدادی از کادرهای جوان در سال ۲۰۰۱، شاخه دیگری از یک حزب اسلام گرای دیگر بنام «حزب عدالت و توسعه» (AKP) ایجاد کردند. که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ توانست ۳۶ درصد آرا را به نفع خود کسب کند و رجب طیب اردوغان، به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. اقبال مردم به حزب جدید، علاوه بر جنبه مذهبی، وعده های این حزب به حل معضلات اقتصادی و برقراری دموکراسی در ترکیه و حل مسائل قومی و ملی و جنگ دائمی خانگی بود.

در سال ۲۰۰۱ بحران اقتصادی بزرگی ترکیه را در نور دیده بود که با افت ۳۰ درصدی تولید ناخالص ملی و رشد منفی ۵,۷ درصدی تورم ۵۳,۵٪ همراه بود. ترکیه مانند سایر کشورهای مشابه با پذیرش برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، سعی می کرد از این بحران خارج شود. ترکیه در اواخر دهه ۱۹۹۰ و سال ۲۰۰۰ ارزش لیر را افزایش نداد بلکه رابطه تبدیل یا نسبت تبدیل آن با دلار را حفظ کرد (ثابت نگاه داشت). اما وجود تورم و رکود شدید یا بحران که به آن اشاره شده باعث گردید که ارزش واقعی لیر و اوراق قرضه لیر کاهش شدید پیدا کند. بخش مهمی از سرمایه داران، به ویژه سرمایه گذاران خارجی و به طور کلی پولداران، لیر ترک و اوراق قرضه لیر را که ارزش آن دائماً کاهش می یافت با دلار عوض کردند و فرار سرمایه از ترکیه شدت گرفت. بدین سان ذخایر ارزی ترکیه به شدت کاهش پیدا کرد و به رغم دریافت کمک از صندوق بین المللی پول وضعیت مالی و پولی بهبود نیافت. در فوریه ۲۰۰۱ ترکیه نرخ برابری لیر در مقابل دلار را آزاد کرد بدین سان لیر یک سوم ارزش خود را از دست داد. ترکیه با عضویت در G20 و اتحاد گمرکی اروپا و کانفیداتوری در جامعه اروپا و عضویت طولانی در ناتو از ۱۹۵۰ و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکش در چهارراه آسیا و اروپا و آفریقا، سال ها همراه با ایران و اسرائیل سرپل نفوذ و استقرار امپریالیسم غرب در خاور نزدیک و میانه بوده است. در پروژه خاور میانه بزرگ آمریکا و تحکیم کریدور انرژی شرق به غرب آن، ترکیه جایگاه مهم و محوری دارد. ترکیه چهارمین شاهراه تأمین انرژی اروپاست. از این زاویه ورود - آک پ به قدرت و وارد کردن اسلام به عرصه سیاسی کشور با برنامه ای نئو لیبرالی، امکانی به وجود آورد که در آن نه تنها سرمایه داری جهانی و لیگارشی داخلی بلکه بسیاری از اقشار سرمایه داری متوسط به ویژه در مناطق آناتولی - پایگاه سنتی حزب عدالت و توسعه- متحد خود را در آن یافتند. سرمایه داری ترکیه طی یکی دو دهه اخیر با بهره گیری از یک رشته شرایط مساعد بین المللی برای آن کشور، جذب وسیع سرمایه و وام خارجی، گسترش صادرات و واردات و غیره از رشد نسبتاً بالائی برخوردار بوده اما در چند سال گذشته به خاطر بحران

عمومی سرمایه داری در جهان، مشکلات سرمایه داری خود ترکیه، نیاز به عرصه ها و مفرهای بیشتر برای گردش و انباشت سرمایه و نیز افزایش هزینه های نظامی (بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ از ۹ میلیارد دلار به ۱۷,۶ میلیارد دلار یعنی تقریباً ۲ برابر شده است) و غیره به سمت رکود و افزایش تورم گرایش پیدا کرده است. کاهش حجم تجارت خارجی و پائین آمدن ارزش لیر ترک، افزایش قرض دولتی- افت سرمایه گذاری های خارجی - کاهش تولید ناخالص ملی و تورم و بیکاری، سقوط موقعیت جهانی ترکیه را باعث شده است. تولید ناخالص داخلی ترکیه از ۸۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به حدود ۷۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ افت پیدا کرد. نرخ تورم از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به ترتیب زیر بوده است: ۸,۸۵٪، ۶,۴۵٪، ۸,۹۴٪، ۷,۴۹٪، ۸,۸۵٪، ۷,۷٪. نرخ بیکاری در سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ چنین گزارش شده است: ۱۱,۲٪، ۹,۲٪، ۸,۴٪، ۹,۱٪ و ۱۰,۰٪. و نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۵ باز هم بیشتر شده است. هر چند نرخ های تورم و بیکاری در ترکیه از نرخ های مشابه در ایران کمترند، اما در سطح جهانی نرخ های بسیار بالایی به حساب می آیند. ترکیه همچنین به رغم حجم بالای صادرات دچار کسری تراز بازرگانی مهم و فزاینده است: کسری تراز بازرگانی ترکیه طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ چنین بوده است: ۴۰,۹ میلیارد دلار، ۶۶,۶ میلیارد دلار، ۴۱ میلیارد دلار، ۵۴,۲ میلیارد دلار و ۳۹,۹ میلیارد دلار. (برای ارقام مربوط به کسری تراز پرداخت یا کسری حساب جاری ترکیه در سال ها مختلف به پیوست رجوع کنید) یک ویژگی دیگر اقتصاد ترکیه حجم بالا و فزاینده وام خارجی (دولتی و خصوصی) این کشور است. در سال ۲۰۱۴ نسبت وام خارجی خصوصی به تولید ناخالص داخلی برابر ۳۳,۵٪ (حدود ۲۷۰ میلیارد دلار) و نسبت کل وام خارجی به تولید ناخالص داخلی برابر ۵۰,۳٪ (حدود ۴۰۰ میلیارد دلار) بوده است.

در سال ۲۰۱۵، مبلغ کل وام خارجی ترکیه به بیش از ۴۰۵ میلیارد دلار رسید که حدود ۷۰٪ آن وام بخش خصوصی به خارج بود. نرخ بالای بهره وام های خصوصی به خارج از یک سو و تضعیف لیر ترک نسبت به دلار از سوی دیگر، با توجه به اینکه اکثر وام های ترکیه به دلار است، باعث سنگین تر شدن هزینه وام های خصوصی شده است. در همان حال با توجه به انباشته سرمایه گذاری خارجی در ترکیه (بیش از ۱۶۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴) و سودی که بابت این سرمایه گذاری ها از ترکیه هر سال خارج می شود، شکاف فزاینده بین واردات و صادرات، کاهش درآمد توریستی و درگیری های نظامی فزاینده ترکیه و غیره، تراز پرداخت های این کشور هرچه بیشتر منفی می شود و شکنندگی اقتصاد ترکیه افزایش می یابد. بهره وام های خارجی و سود سرمایه های خارجی در ترکیه مجموعاً ده ها میلیارد دلار در سال است که تأمین و تداوم آن به تشدید هرچه بیشتر استثمار کارگران می انجامد. ترکیه که طبق آخرین آمارها، مقام هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان را یافته، نتوانسته است در زمینه توسعه انسانی مقام بالای خود را حفظ کند. در فهرست شاخص توسعه انسانی سازمان ملل، ترکیه در رده ۹۷ ام قرار دارد. (ایران در این زمینه در رده ۱۱۰ ام قرار گرفته است) رشد اقتصادی ترکیه، عامل انسانی را در رابطه با درآمد و بهداشت و مسکن فراموش کرده است. (برای اطلاعات بیشتر، به جدول های آمار و توضیحات پیوست در آخر مقاله مراجعه کنید.)

ترکیه و همسایگان آن: اسرائیل- ایران- مصر- سوریه- عراق و کردستان

رشد اولیه اقتصادی، و تظاهرات اسلام گرایانه اردوغان که توانسته بود حمایت مردم مسلمان ترکیه را به خود جلب کند، در موفقیت های رهبر و حزب حاکم نقش مهمی بازی کرد. وبه رویاهای ناسیونالیستی و پان اسلامیستی دیرین ترک ها جان تازه ای دمید. اردوغان بارها در سخنرانی هایش رسماً اعلام کرد که هدف ترکیه تحقق وحدت و همبستگی جهانی اسلام و رهبری جهان اسلام است. (سخنرانی در کنگره چهارم حزب عدالت و توسعه، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۲) این مسأله سیاست خارجی ترکیه را که یکسره به سمت غرب و اروپا متمایل بود، تحت تأثیر قرارداد ترکیه در پی یافتن راهی برای نشان دادن استقلال خویش و تثبیت قدرتش به عنوان بازی گری منطقه ای، استراتژی موسوم به «صفر مسأله با همسایگان» را در پیش گرفت. ترکیه در ۲۰۰۳ با ممنوع کردن هواپیماهای آمریکا در استفاده از فضا و زمین خویش، برای حمله به عراق به این سیاست خود جتهی تازه داد.

در اولین پا، سیاست دیرینه خود را در نزدیکی استراتژیک با اسرائیل به موازنه برابر در مقابل اعراب و اسرائیل بدل کرد. ترکیه که اولین کشوری بود که دولت اسرائیل را به رسمیت شناخته بود و در دوران جنگ سرد روابط مخفی ای در زمینه های نظامی- امنیتی با

اسرائیل داشت. به قرارداد همکاری متقابل خود با دولت اسرائیل خاتمه داد. در پی تهاجم اسرائیل به غزه و محاصره این شهر، ترکیه موضعی سخت علیه این دولت گرفت. که با سخنرانی اردوغان در کنفرانس داووس علیه اسرائیل تأیید شد. حادثه کشتی «مرمره» که توسط ترکیه برای کمک های بشردوستانه به مردم غزه در ۲۰۱۰ فرستاده شده بود که با دخالت ارتش اسرائیل و کشتن نزدیک به ۱۰ نفر از اتباع ترکیه خاتمه یافت، نشانه بارز این گسست استراتژیک می باشد. سیاست نزدیکی با روسیه- ایران و سوریه و ابراز تمایل به پیوستن به سازمان همکاری شانگهای (OCS) نیز در این متن می گنجد. اردوغان اظهار داشته بود که ترکیه در این سازمان، آلترناتیو مناسبی برای اتحاد اروپا پیدا خواهد کرد. در ژوئن ۲۰۱۲، ترکیه به عنوان ناظر به کنفرانس سران (OCS) دعوت شد. سیاست منطقه ای ترکیه در جهت پرکردن جای خالی شوروی در کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز متکی به «پان ترکیسم» با سیاست تهاجمی روسیه که آنجا را ملک طلق خود می پنداشت، در تقابل قرار داشت و محدودیت های خودش را نشان داد. از این رو این سیاست، عمدتاً به سمت قلمرو سابق تحت نفوذ امپراتوری عثمانی کشانده شد. «احمد داود اوغلو» مشاور و وزیر خارجه اردوغان در دوران نخست وزیری اش را ایدئولوگ این سیاست، موسوم به «نو عثمانی» می دانند. (۱) نظریه ای که خواهان وحدت «امت مسلمان» در یک فدراسیون دولت های مسلمان، از جمله ایران و سوریه زیر حمایت دولت ترکیه، برای یک تغییر و مدرنیزاسیون صلح آمیز بود. ترکیه با تکیه بر دینامیسم سرمایه داری خویش به دنبال جایگزینی بر انتگراسیون در جامعه اروپا بود. ایران در این گشایش جدید ترکیه از اهمیت زیادی برخوردار بود. روابط نزدیک ایران و ترکیه و عضویت مشترک در پیمان سعد آباد (بین ایران و ترکیه و افغانستان و عراق در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۱۶ - ۸ ژوئیه ۱۹۳۷) و سنتو (یا پیمان بغداد که در فوریه سال ۱۹۵۵ بین ایران، ترکیه، عراق، پاکستان، انگلستان و آمریکا برقرار شد) در زمان پهلوی ها در مجموعه استراتژیک- امنیتی غرب قرار داشت. با استقرار حکومت اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ و کودتای ۱۹۸۰ در ترکیه، این روابط وارد مرحله جدیدی شد. دو گرایش متفاوت ایدئولوژیک و دوحوزه استراتژیک در رقابت با هم به ویژه پس از سقوط شوروی که منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را وارد این حوزه رقابت و نفوذ کرد. هر دو طرف از همان زمان یکدیگر را رقیب و منازع هم می دیدند. به علاوه رژیم کنان اورن در چارچوب استراتژی عمومی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران عمل می کرد. تا مدتی پشتیبان اپوزیسیون سلطنت طلب بود. با روی کار آمدن حکومت اسلام گرای اردوغان و نگاه مشترک دو حکومت در اسلامی کردن جامعه سکولار و فاصله گرفتن اردوغان از اسرائیل، فاز جدیدی در روابط دو کشور گشوده شد. که با سفرهای اردوغان نخست وزیر در ۲۰۰۴-۲۰۱۰-۲۰۱۱ و عبدالله گول رئیس جمهور در ۲۰۱۱ به ایران رقم خورد. ترکیه در نزدیکی با ایران، منافع اقتصادی مهمی را جستجو می کرد. نیاز این کشور به انرژی نفت و گاز ایران که به کاهش وابستگی ترکیه به منابع روسیه هم کمک می کرد و بازار عظیم مصرف و سرمایه گذاری ایران برای صنایع تولیدی و صادراتی رو به رشد ترکیه اهمیت زیادی داشت. سرمایه گذاری ترک ها در صنایع اتومبیل و پتروشیمی و همکاری های اقتصادی در زمینه های ترانسپورت و مخابرات و بهداشت و تأسیس بانک سرمایه گذاری مشترک با همکاری کشور عراق در ۲۰۱۰، توافق انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه در کادر پروژه «کریدور گاز جنوبی» کمیسیون اروپا و ایجاد منطقه آزاد تجاری در ماکو در مرز ترکیه از آن جمله اند. همکاری های سیاسی- نظامی ایران و ترکیه در کردستان در مقابله با پ.ک.ک و پژاک (حزب زندگی آزاد در کردستان) ایران، نزدیک به PKK یکی دیگر از محورهای این نزدیکی بودند. که با دخالت های ترکیه در سوریه و سرکوب کردهای سوریه از جانب ترکیه، دچار تغییر گردیده است. ترکیه حتی برای تثبیت نقش کلیدی اش در خاورمیانه، به همراه برزیل در ماه مه ۲۰۱۰، ایران را به عقد قراردادی برای محدود کردن استراتژی هسته ای اش تشویق کرد که با مخالفت غرب و شکست مذاکرات ۱+۵ در استانبول - ژانویه ۲۰۱۰ و آوریل ۲۰۱۲ به نتیجه نرسید و موجب دلسردی ترکیه گردید. توسعه این سیاست به تدریج بواسطه بروز اختلافات ایدئولوژیک- سیاسی و سیاست های نامتوازن ایران محدود شد. حوادث موسوم به «بهار عربی» و به ویژه دخالت های دو کشور در سوریه در دو جبهه مخالف، آنها را در مقابل هم قرارداد. ایران با عقد قرار دادی با سوریه برای انتقال گاز و نفت از طریق عراق به سوریه و از آنجا به اروپا، پروژه عربستان و قطر را که بدنبال همین امر بودند، به عقب راند و همچنین پروژه انتقال انرژی از طریق ترکیه را نیز لغو کرد. نزدیکی

ایران به دولت عراق و تشکیل هلال شیعی بین ایران- عراق- لبنان و سوریه و یمن، موجب نگرانی ترکیه و به ویژه گرایش پان اسلامیستی سنی گرا در منطقه گردید. در کردستان عراق نیز ایران با حمایت از جلال طالبانی و جبهه میهنی در مقابل سیاست ترکیه قرار گرفت که از بارزانی و حزب دموکرات کردستان پشتیبانی می کرد. همه اینها موجب چرخشی در سیاست های ترکیه گردید که به آن در سطور بعدی خواهیم پرداخت.

حمایت ترکیه از تظاهرات میدان تحریر مصر- اول فوریه ۲۰۱۱- و اعلام اینکه «حسنى مبارك بايد به مطالبات مردمش گوش دهد.» چرخشی دیگر در سیاست ترکیه در منطقه، به دنبال جنبش های مردمی بود. ترکیه با استفاده از این فرصت سعی کرد به صحنه خاورمیانه که در زمان عثمانی زیر نفوذ آن بود باز گردد. ترکیه در این بازار به دنبال فروش «مدل اسلامی» خود و تأمین هژمونی اش بود. سقوط مبارک در ۱۱ فوریه و صعود محمد مورسی -morsi- فرصتی طلایی برای نزدیکی ترکیه اسلامی و مصر اخوانی بود. سفر عبدالله گول در ماه مارس ۲۰۱۱ و اردوغان در سپتامبر همین سال به مصر و کمک یک میلیاردی ترکیه به آن در راستای گسترش جبهه اسلامی و تبدیل سازی برای دولت های در حال سقوط در تونس و لیبی و سوریه و.. بود. اردوغان در این مسیر، پا در جای پای محمد مورسی همفکرش در مصر نهاد که پس از کسب قدرت و تثبیت موقعیتش در برابر ارتش، در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۲ اعلام کرد که فرامین او به مثابه ریاست جمهور، فراتر از قوه مقننه، قضائی و همه دستگاه های نظارتی قرار دارد. او با فرمان ۲۲ نوامبر، خود رابه فرمانروای مطلق مصر بدل ساخت. راه پارلمانی برای مورسی و اردوغان این نمایندگان اخوانی و اسلام گرا، پله ای برای کسب اختیارات مطلق و انحصاری است. مدل ترک که توسط جنبش النهضة در تونس ارائه می شد، مورد تأیید غرب نیز بود. چرا که این مدل اسلامی حکومت که لیبرالیسم اقتصادی را با نوعی «دموکراسی» مذهبی ترکیب می کرد، می توانست در راستای اهداف سرمایه داری جهانی قرار گیرد. غرب به ویژه فرانسه، انگلستان، آلمان و آمریکا از حول هلم به داخل دیگ افتادند و با دخالت نظامی در لیبی و سوریه در صدد جلوگیری از این جریان برآمدند که به نتایج غیر قابل انتظار منجر شد. مصر و ترکیه از سقوط لیبی و دخالت غرب در آنجا استقبال کردند و با شروع تظاهرات مخالفان در سوریه به دفاع از مخالفان برآمدند و خواهان سقوط بشار اسد شدند. رابطه گرم ترکیه با بشار در سپتامبر ۲۰۱۱ با رد کردن توصیه های اردوغان به هم خورد و ترکیه نخست به دفاع سیاسی و سپس نظامی از مخالفان او روی آورد. ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۱ جلسات مخالفان سوریه در ترکیه زیر پوشش سازمان های حقوق بشری چون «مظلوم در» تشکیل شد و «شورای ملی سوریه» در استانبول اعلام وجود کرد. همچنین هسته های اصلی ارتش آزاد سوریه در آنجا شکل گرفتند. ترکیه با وارد شدن در بازی استراتژیک غرب و کشورهای ارتجاعی عرب چون عربستان و قطر و با یک اشتباه محاسبه، روی سقوط سریع اسد مثل مبارک، شرط بست و فکر می کرد که سوریه هم مانند تونس و مصر و لیبی سریعاً سقوط خواهد کرد. مقاومت اسد و خشونت که در سرکوب مخالفان به کار بست و تکیه بر روی متحدان منطقه ای و جهانش چون حزب الله لبنان و ایران و روسیه، غلط بودن این محاسبه را نشان داد. وزن اخوانی ها علیرغم پایه نسبتاً ضعیفشان در جامعه سوریه، در شورای ملی سوریه بالا بود. ولی در صحنه جنگ داخلی سوریه، این نیرو نیز سریعاً توسط جریانات جهادی و تروریستی اسلامی به عقب رانده شدند. حمایت این یا آن قدرت منطقه ای از فراکسیونهای مختلف اپوزیسیون سوری و اختلاف مابین آنها از وحدت آنها جلوگیری کرد و پس از شکست (CNS)، جاده برای جهادی ها بازگردید. ترکیه با بازکردن راهها برای پیوستن جهادی ها و نیروهای القاعده به سوریه و مسلح کردن مخالفان اسد این بار برای رسیدن به اهدافش در سوریه و شکست اسد و محدود کردن کردها در ایجاد دولتی متحد در آنجا، به اتحاد با شیطان رو آورد. ارتش سوریه آگاهانه و اندکی به طور اضطراری مناطق شمالی کردنشین را ترک کرد و این مسأله به تشکیل نیروی واقعی کردی تحت رهبری حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) منجر شد. پ- ی- د حزبی سیاسی در کردستان سوریه است که در سال ۲۰۰۳ توسط چپگرایان کرد در شمال سوریه تاسیس شد. حزب پ- ی- د رابطه نزدیک و ایدئولوژیک با حزب کارگران کردستان دارد.

سوم ژوئیه ۲۰۱۳ نظامیان مصری با استفاده از تظاهرات مردمی به ضد دولت اخوانی، مورسی را از کار برکنار کردند و او را با سایر رهبران اخوان المسلمین به زندان افکندند و به سرکوب اخوانی ها پرداختند. این امر و شکست انتخاباتی النهضة در تونس و از هم

پاشیده شدن لیبی، شکستی برای سیاست عربی ترکیه بود. که این کشور را به دامن سیاستی دیگر انداخت که می توان آنرا داعشی شدن نامید که عوارض وخیمی درسیاست داخلی ترکیه بیار آورده است.

ترکیه و مسأله کردها :

به دنبال شکست امپراتوری عثمانی و تقسیم متصرفاتش، استقلال کردستان که یکی از وعده های قدرت های استعماری غالب بود، به سرعت به فراموشی سپرده شد و نطفه ستیز دائمی در منطقه بسته شد که تا به امروز ادامه دارد. ترکیه در مرزهای کنونی اش از ۱۹۲۲ بر بخش مهمی از منطقه کرد نشین مسلط شد و در ۱۹۲۵ زیر فشار جامعه ملل از مطالباتش در مورد ایالت مهم موصل در کردستان کنونی عراق صرف نظر کرد. بن بست سیاسی- اجتماعی حاصل از کودتاهای متعدد و سرکوب مطالبات بر حق مردم کردستان و کشتار آنها به دست حکومت کودتا به بحرانی سیاسی بدل گردید. کردها ۲۰ درصد جمعیت ۸۵ میلیونی ترکیه را تشکیل می دهند. اولین جنبش استقلال طلبانه و مسلحانه کردها به سال ۱۹۲۰ بر می گردد. در دوره های اخیر، جریان کردستان انقلابی برهبری «حقی قرار» که در مرز سوریه ترور شد، جبهه جدیدی را گشود که تا به امروز ادامه دارد. حزب کارگران کردستان- پ ک ک- در ۱۵ اوت ۱۹۸۴ با حمله به پاسگاه پلیس «شم دینالی» اعلام موجودیت کرد. دولت ترکیه با ربودن «عبدالله اوجالان» رهبر PKK در ۱۶ فوریه ۱۹۹۸ سعی کرد که تغییری در سیاست خود باکردها بدهد. با شناسایی دولت اقلیم کردستان توسط ترکیه در زمان داود اوغلو و در پی سیاست «صفر مسأله با همسایگان» تبادل بازرگانی کردستان و عراق با ترکیه افزایش زیادی یافت. در ۲۰۱۲- مبادله بازرگانی ترکیه با عراق به ۱۳،۲ میلیارد دلار رسید که بخش عمده آن با اقلیم کردستان بود. در این میان، نفت و گاز کردستان، عامل مهمی در گسترش این روابط است. کمپانی «Gemel enerjji» ترکی، عامل اصلی در اجرای پروژه های نفتی در کردستان است و انتقال نفت از طریق احداث سومین لوله نفتی بین کرکوک و بندر سیحان در ترکیه، در قلب این پروژه قرار دارد. یکی از اهداف ترکیه در نزدیکی به حزب دموکرات کردستان- PDK- استفاده از رقابت موجود بین احزاب کردستان به منظور محدود کردن PKK در ترکیه و PYD در سوریه است. بارزانی و اردوغان در محدود کردن این دودارای منافع مشترک هستند. چراکه گسترش نفوذ این دو سازمان با ایدئولوژی مخالف و تأثیرشان بر گروههای مخالف اقلیم، آنها را به وحشت انداخته است. صالح مسلم رهبر حزب اتحاد دموکراتیک مردم، PYD یکی از احزاب کرد سوریه، آشکارا خواستار برپائی یک حکومت انتقالی در حوزه کردستان سوریه، در چهارچوب یک راه حل فدرالیستی است. تأسیس کانتون های خود مختار و شیوه اداری دموکراتیک در مناطق تحت نفوذ، شبیحی است که خواب از چشمان همه رهبران سیاسی ترکیه در همه ادوار بوده و زیگزاگ های پی در پی این کشور را درباره کردستان توضیح می دهد.

در مقابل واقعتهای جدید در صحنه سیاسی سوریه و عراق، ترکیه یکبار دیگر به تغییر استراتژی خود در برابر کردها پرداخت و به مذاکره با PKK مهمترین متحد PYD روی آورد. عبدالله اوجالان از زندان خود، مذاکرات صلح و آتش بس را (از مارس ۲۰۱۳) هدایت می کرد. ترکیه امیدوار بود که در عوض خرید صلح با PKK و دادن امتیازاتی فرهنگی- سیاسی به آن، حزب اتحاد دموکراتیک را در سوریه محدود کرده و با جلوگیری از وحدت این دو حزب، سیاست توسعه طلبانه اش را در آنجا ادامه دهد. صالح مسلم رهبر PYD در اوت ۲۰۱۳ به ترکیه دعوت شد. اما این تاکتیک اردوغان بواسطه وخامت اوضاع در داخل ترکیه بعد از حوادث «پارک گزی» نتوانست نتایج مورد نظر ترکیه را بر آورده کند.

داعش حلقه جدیدی در استراتژی منطقه ای ترکیه:

غرب و ترکیه با سرمایه گذاری روی مخالفان اسد که در شورای ملی سوریه -CNS- جمع شده بودند، انتظار داشتند که به دست کادرهای جهادی این شورا، کار اسد را سریعاً یکسره کنند. نخستین کسانی که این تضاد را «بطور زودرس» نظامی کردند، عبارت بودند از رژیم بشار و بخشی از اخوان المسلمین سوریه که در زمان حافظ اسد نیز به عملیات مسلحانه به ضد او دست زدند و به شدت سرکوب شدند. ترکیه، عربستان، اردن، انگلستان، فرانسه و آمریکا بعداً آشکارا وارد معرکه شدند. البته سازمان های اطلاعاتی

آنها از آغاز اعتراضات علیه بشار، در صحنه بودند. با تشکیل ارتش آزاد سوریه و استقرار رهبری یا بخشی از رهبری آن در ترکیه و درگیری های مستقیم ترکیه با ارتش بشار، دخالت ترکیه حالت مستقیم تر و فعال تری به خود گرفت و کمک های مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی آمریکا، فرانسه، انگلیس عربستان و اردن به این ارتش و نیز به سازمان های مسلح اسلامی مانند النصره و غیره افزایش یافت. در ضمن باید توجه داشت که شمار نسبتاً زیادی سازمان های مسلح کوچک و بعضاً مستقل نیز به شکل گروه های دفاع از خود تشکیل شد. اما با رشد حجم و فعالیت های ارتش آزاد و به ویژه گسترش فعالیت های النصره و بعداً داعش و سازمان های مسلح اسلامی دیگر مانند جیش الاسلام، احرار الشام و غیره، سازمان های کوچک مسلح یا از میان رفتند و یا در جریان های مسلح بزرگ جذب و هضم شدند. باید توجه داشت که سازمان های مسلح کوچک که بعضاً در آغاز گروه های دفاع از خود یا دفاع از تظاهرات بودند به لحاظ مالی و تسلیحاتی و تدارکاتی و حتی جیره غذایی به سازمان های بزرگ مسلح (در آغاز ارتش آزاد ترکیه و بعداً به ویژه النصره، احرار الشام، جیش الاسلام، داعش و غیره) وابسته شدند. همچنین نقش ایران و روسیه در تشدید درگیری ها را نباید نادیده گرفت.

برهان غلیون و ژرژ سیرا از جمله رهبران اولیه CNS، ادعا می کردند که تمام کسانی که علیه اسد می جنگند، از جمله النصره انقلابی هستند. اینها که که در ترکیه و عربستان و قطر رحل اقامت افکنده بودند، منتظر بودند که جهادی ها کار کثیف را ویا بقول لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه، کار اصلی (bon boulot) را انجام داده، اینها را به قدرت برسانند.

ترکیه با ارسال اسلحه- تجهیز نظامی داوطلبان جنگ در سوریه و ایجاد سهولت در رفت و آمد جنگجویان خارجی، کمک های مالی ولجستیکی و ارائه خدمات پزشکی، داعش رادر سوریه تقویت می کرد. «کمال کلیچ داروغلو» رهبر حزب جمهوری خواه خلق ترکیه، با استناد به اسناد به دست آمده از دفتر دادستانی آدانا و مصاحبه با کامیوندارها اظهار داشته که سلاح های زیادی توسط این کامیون ها از مرز ترکیه به سوریه اعزام شده اند. بازرسانی که کامیون های پر از اسلحه حامل موشک و تفنگ و مهمات را متوقف می کردند، با دخالت مأموران امنیتی ترکیه، مجبور به رها کردن آنها می شدند. بگفته روزنامه جمهوری، مقامات بالای دولتی و شخص اردوغان در تشویق و اعزام نظامیان ترکیه برای الحاق به داعش دخالت مستقیم داشتند. «هاکان فیدان» رئیس سازمان امنیت ترکیه در مرکز توطئه ای قرار داشت که قرار بود از داخل سوریه، بهانه های لازم از آن جمله سازمان دادن حملات شیمیایی و موشکی. را برای دخالت ترکیه در سوریه فراهم کند. در قلب استانبول زیر نظارت سازمان امنیت (MIT) و سازمان امور دینی ترکیه، مراکزی برای اقامت - آموزش و جابجائی جنگجویان داعش برپا شده بود. بیمارستان های ترکیه پذیرای بسیاری از جنگجویان زخمی داعشی تا حد کادرهای بالای آنها از جمله «احمد ال-ح» از معاونان ابوبکر بغدادی، بوده اند. مهر پاسپورت های بسیاری از آنها برای عبور به سوریه توسط مرز داران ترکی زده شده است. مدرسه «عرفان کولجی» بنیادی که اردوغان و داود اوغلو از پدیدآورندگان آن هستند، مقر و مسکن آنهاست و وب سایت Takver Haber که به زبان ترکی اداره می شود، محل ثبت نام ترک ها برای پیوستن به داعش است. وزیر کشور ترکیه «همر گولر» بنا به نوشته نشریه «رادیکال» اظهار داشته که: «منافع منطقه ای ما ایجاب می کند که به جنگجویان النصره در جنگ علیه اسد و PYD به آنها کمک کنیم...»

ترکیه از طریق خرید نفت داعش از این سازمان حمایت مالی می کند. نفت عراق و سوریه از طریق کامیون و حتی خطوط لوله غیر قانونی وارد شهرهای مرزی ترکیه می شود.

بعد از سوریه و عراق، یمن عرصه دیگری است که در آن، ترکیه به دخالت در نزاع داخلی آن پرداخته است. حضور سیاسی- نظامی ترکیه در یمن ریشه در زمانهای دور تاریخی دارد و این کشور از دیر باز جزئی از حوزه استراتژیک ترکیه محسوب می شده است. امروز نیز بعد از سقوط صنعا بدست شورشیان شیعی (زیدی) مذهب حوثی و شروع جنگ داخلی بین آنها و حکومت طرفدار عربستان از یکسو و نیروهای جهادی و داعشی از سوی دیگر، ترکیه به اتحادیه ای ملحق شده است که توسط عربستان و پاره ای از کشورهای خلیج برای دخالت نظامی در یمن برای دفاع از حکومت صنعا، تشکیل گردیده است. اعزام ۵۰۰ عضو دولت اسلامی (داعش) از سوریه توسط ۴ هواپیمای ترکی و قطری و اماراتی در ۲۶ اکتبر ۲۰۱۵ و استقرار آنها در شهرهای الباب و مارب در یمن و ایلات

جنوبی عربستان، جیزان و عصیر، از آخرین اقدامات دخالت گرایانه ترکیه در این منطقه است. قبل از آن در ۲۷ مارس، یک گروه از افسران ترک به قطر اعزام شده و به گروه دیگری که در امارات مستقر بودند، ملحق شدند. نظامیان ترک برای حمایت از عملیات «طوفان قاطع» و در همکاری نزدیک با عربستان، مأموریت‌های اطلاعاتی - آموزشی و تدارکات لجستیکی را بعهده دارند. هشدارها و تهدیدهای پی در پی بین رهبران جمهوری اسلامی و ترکیه، حتی در زمانی که اردوغان به ایران سفر کرده بود، تنش‌ها و منازعات بین در کشور را که در سوریه و عراق هم درگیر هستند، بالا برده است.

و سرانجام بن بست؟!

در بازبینی سیاست ترکیه در منطقه خاورمیانه که در بالا آمد، می‌توان به یک نتیجه آشکار دست یافت. زیگزاگ‌های پی در پی و تغییر مواضع ۱۸۰ درجه‌ای که هر بار با گام‌هایی به عقب همراه بوده است. آخرین آن، گردش به راستی است که ترکیه بعد از شکست در استراتژی سیاست نو-عثمانی اش در سوار شدن بر موج جنبش «بهار عربی» کرده است. بازگشت به دامن ناتو و آمریکا و اسرائیل (۱) در سیاست خارجی و از سرگیری جنگ و خشونت پلیسی و تعرض به آزادی‌ها و دموکراسی شکننده و نیم بند در سیاست داخلی.

آک‌پ و شخص اردوغان بعد از موفقیت اولیه در صعود به قدرت و ایزوله کردن مهمترین رقیبش، ارتش کمالیست، سیاستی انحصارگرایانه را در پیش گرفت. تضاد قدرت در بالا بین دو گرایش اسلامی - آک‌پ- و گولن که روزگاری از یاران نزدیک اردوغان بود، به بیرون راندن همراهان او از قدرت انجامید.

جنبش مذهبی گولن «gülen» نزدیک به گرایش صوفی‌گری یکی از نحل‌های طرفدار پان ترکیسم، در ۱۹۷۰ بوسیله فتح الله گولن تأسیس شد و نه تنها در ترکیه بلکه در بسیاری از کشورها گسترده شده است. در دوران سیاه کودتا، این جنبش هم مانند سایرین توسط ارتش سرکوب شد و گولن به آمریکا مهاجرت کرد. در دوران ریاست تورگوت اوزال، جنبش دوباره رشد کرد. ساختارهای غیر متمرکز و شبکه‌های مذهبی و هزاران نهاد آموزشی متعلق به جنبش گولن، بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ در خدمت بسط و گسترش نفوذ اردوغان و حکومت اسلام‌گرای جدید و حزب حاکم قرار گرفت. پایه مشترک فعالیت آک‌پ- و گولن، اسلام محافظه‌کار و لیبرالیسم اقتصادی بود. این همکاری نه تنها پایه‌های اجتماعی قدرت حاکم را تقویت کرد بلکه به او کمک کرد که ارتش کمالیست و نفوذ آنرا کم نماید. امری که پس از انجام آن، تصادم قدرت را در میان اسلام‌گرایان شدت بخشید. طرفداران گولن با نفوذ در پلیس و قوه قضائیه و رسانه‌های جمعی و ثروتی مالی در حدود ۵۰ میلیارد دلار، به قدرتی در درون قدرت بدل شده بودند. روزنامه «زمان» اولین نشریه ترک با تیراژ روزانه یک میلیون، به نشر ایده‌های این جنبش می‌پرداخت. افشای فساد مالی عظیمی در دولت اردوغان، به ویژه در میان نزدیکان او، رسوائی زیادی ببار آورد. دادگستری به مثابه ملک شخصی اطرافیان اردوغان درآمده و «ذکریا اوز» که در رأس گروه تحقیقاتی به پرونده‌های دزدی‌های اطرافیان اردوغان دست یافته بود، مجبور به فرار به روسیه شد. در این تحقیقات معلوم شد که ۴ وزیر و فرزندانشان و همچنین «بلال» فرزند اردوغان به سرقت اموال دولتی پرداخته و مبالغ هنگفتی در منزلشان مخفی کرده بودند. سرانجام افشای اختلاس یک مدیر بانک دولتی توسط قضات نزدیک به گولن که ۴,۵ میلیون پوند را در جعبه‌های کفش پنهان کرده بود، زنگ خطری بود که اردوغان را به تلاش نهائی برای سرکوب این جنبش وادار کرد. دولت با اعلام اینکه «امنیت ملی» در خطر است، هزاران افسر پلیس و دادستان و قاضی را به جرم همکاری با گولن اخراج کرد. و در خیلی موارد، جای آنها را اعضای طرفدار حرکت ملی، گروه مذهبی- فاشیستی پر کردند. به دنبال آن سرکوب روزنامه نگاران و رسانه‌های طرفدار گولن آغاز شد. ۲۰ خبرنگار و کارمند رسانه‌ها بازداشت و روزنامه‌های وابسته به آنان از جمله روزنامه نگاران و رسانه تلویزیونی - بوگون تی وی- و کانال - ترک- با حمله مأموران دولتی بسته شد. «هدایت کاراجا» رئیس شبکه تلویزیونی و «اکرم دومانلی» روزنامه نگار و نمایش نویسنده دستگیر شدند. سازمان گزارشگران بدون مرز نیز رتبه ترکیه در زمینه آزادی مطبوعات را از

۱۴۹ به رتبه ۱۸۰ نزول داد که تنها فاصله اندکی تا رتبه جمهوری کنگو دارد. ایران در گزارش سال ۲۰۱۵ میلادی این سازمان در رتبه ۱۷۳ قرار دارد

جنبش پارک گزی:

در روز ۲۷ ماه مه ۲۰۱۳ در میدان تقسیم استانبول، برای خراب کردن پارک گزی و ساختن یک مرکز تجاری به جای آن، دست به اعتراض زدند. این اعتراض که می رفت مانند سایر تظاهرات محدود میدان تقسیم، تحلیل رود. با برخورد خشن پلیس و سرکوب آن، به اعتراضات وسیع تبدیل شد. طبق آمارهای ارائه شده، ۱۶ در صد مردم استانبول در این تظاهرات شرکت کردند. اعتراضات محیط زیستی با پیوستن گروههای چپ گرا و کارگران، مضمون مطالبات پیادکرد.

اعتراض به قانون جدید برای محدود کردن فروش و مصرف مشروبات الکلی- اعتراض به دخالت مأموران به رابطه دخترها و پسرها در متروها مراکز عمومی- اعتراض به دخالت های حزب AKP در زندگی خصوصی مردم- آزاد شدن و دخالت بیشتر احزاب قانونی مخالف و بالاخره روشن شدن علت انفجار معدن شهر Hatay و کشته شدن ۸۵ معدنچی و مجازات عاملین آن. جنبش هم چنین با طرح دخالت ترکیه در سوریه بنفع داعش و گروههای جهادی و اعتراض به آن، تمامی سیاست های دولت و حزب حاکم را زیر سؤال کشاند. قبل از آن در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۲ در بازدید، اردوغان نخست وزیر وقت از دانشگاه صنعتی خاورمیانه در آنکارا که فضائی چپ گرا دارد، دانشجویان با شعار « طیب جنگ طلب، امپریالیست، دشمن علم، از دانشگاه برو» از او استقبال کردند که با سرکوب پلیس و تعقیب دانشجویان تا کلاسهای درس آنان روبرو شد. در این جنبش علاوه بر دانشجویان (ترکیه هم اکنون ۲۰۰ دانشگاه و پیش از ۴ میلیون دانشجو دارد که از سال ۲۰۰۸ افزایش چشمگیری داشته است.) و جوانان و اقشار متوسط شهری، کارگران و نیروها و سازمان های چپ نیز حضور داشتند. (جبهه خلق- حزب کمونیست- حزب کمونیست کارگری- اتحاد کمونیستهای انقلابی و حزب م-ل کمونیست). مانند همه جنبش های مشابه، نقش اینترنت و شبکه های اجتماعی در رساندن آگاهی و سازماندهی تظاهرات اهمیت مهمی داشت. برطبق نظر سنجی ها ۶۹ درصد شرکت کنندگان از طریق شبکه های اجتماعی به تظاهرات جلب شده اند و ۹۳ در صد معترضین شهروندان عادی بوده اند و تعداد زنان از مردان بیشتر بوده است. این جنبش کاتالیزوری برای یک جنبش مقاومت و مخالف گردید و با گفتن « نه» بزرگی به فاشیسم مذهبی در حال شکل گیری، زنگ خطر را برای رژیم اسلام گرای ترکیه بصدا در آورد. (گروه پروسه- سولماز بهرنگ- ژوئن ۲۰۱۳)

انتخابات : یک گام به پیش دو گام به عقب

انتخابات ۷ ژوئن در حالی برگزار شد که جنبش دموکراتیک و مردمی «پارک گزی» در ۲۰۱۳ سرکوب شده و رسوائی مالی عظیمی در سطح بالای حکومتی، پایه های رژیم رالرزانده بود. اقتصاد ترکیه بعد از یک دهه رشد مداوم، از سال ۲۰۱۴ در منگنه تضادهای بنیادی سرمایه داری وزیر تأثیر منفی بحران عمومی جهان، دچار کندی و افول شده بود. این همه حزب اسلامی حاکم را به سمت سیاست های رادیکال اسلام گرائی و استبداد سیاسی و شخص محور کشاند. تا بتواند حاکمیت خود را حفظ کند. هدف عمده ای که قدرت حاکم در این انتخابات دنبال می کرد، کسب اکثریت مطلق در مجلس برای تغییر قانون اساسی در جهت گسترش اختیارات رئیس جمهور و کم کردن وزن پارلمان در موارد قدرت بود. روی آوردن مردم به حزب نوپای « ه د پ» حزب دموکراتیک خلق ها- با برنامه ای لیبرال- چپ برضد اردوغان و حزب حاکم «AKP»- واقعه مهم این انتخابات بود که سیلی محکمی به چهره رهبران حزب حاکم محسوب می شود. این حزب با کسب ۱۳ درصد آرا و گسیل ۸۰ نماینده به مجلس، اکثریت حاکم را از کسب آرای لازم برای تغییر قانون اساسی و تشکیل دولت به تنهایی محروم کرد. این حزب در اکتبر ۲۰۱۳ با رهبری مشترک فیغان یوکسک داغ از رهبران «حزب ستمدیدگان سوسیالیست» و صلاح الدین دمیرتاش تأسیس شد. HDP- رنگین کمانی از گروه های رادیکال چپ- کردها- علوی ها- ارمنی ها- سبزاها و هم جنس گراها است. پیشروی این حزب بار دیگر اردوغان و نخست وزیر موقتش داود اوغلو را به تغییر استراتژی و داشتن اردوغان که قبل از انتخابات با طرح صلح با PKK در پی تأمین اتوریتة خویش و صاف کردن جاده برای انحصاری کردن قدرتش بود، پس از انتخابات ژوئن و مشاهده افول قدرتش، تمام سعی خود را بکار برد تا دولت ائتلافی پا نگیرد

و انتخابات زودرسی برپا گردد. اردوغان در ۱۴ اوت در زادگاهش ریزه «RIZE» اعلام کرد. «شما ممکن است که این واقعیت را بپذیرید یا نه، اما نظام حکومتی ترکیه به طور عملی تغییر یافته است. آنچه باید انجام شود، نهائی کردن چهارچوب های قانونی این وضعیت ضمنی با قانون اساسی جدید است.» او به طور علنی هدف های کودتای خزنده ای که در حال انجام شدن بود را توضیح می دهد. استراتژی ترکیه بین دو انتخابات، قطبی کردن جامعه و ازسرگیری جنگ تمام عیار با PKK به منظور ضعیف کردن حزب دموکراتیک خلق ها و ایجاد ترس و ناامنی، برای جلب آرای عناصر متزلزل و اقشار میانی محافظه کار از یکسو و عناصر راست افراطی از سوی دیگر بود. قتل طاهر ایلچی رئیس کانون وکلای شهر دیاربکر در یک میتینگ انتخاباتی و انفجار در شهر سوروج در اردوی تابستانی جوانان سوسیالیست که ۳۰ کشته و ۱۰۰ مجروح بجا گذاشت. انفجار دو بمب در راهپیمائی نیروهای چپ و کرد و دموکرات در آنکارا در ۱۰ اکتبر که ۹۷ کشته و ۲۴۵ مجروح داشت، همسوئی مخرب ترین نیروهای اسلام گرا را با حکام مستقر در ترکیه نشان می دهد. اعلام حکومت نظامی در برخی از شهرهای کردستان و به آتش کشیدن ۱۲۰ مکان حزب HDP و سرکوب و دستگیری بیش از ۵۰۰ نفر از اعضای این حزب در شهر جزیره از جمله اقداماتی است که حکومت ارتجاعی به منظور آشفته کردن جو جامعه بدان دست یازید. در پی درگیری های اخیر نزدیک به ۲۰۰ تن نظامی و مأموران امنیتی نیز کشته شده اند که نمایش آن توسط رسانه های دولتی، جو سیاسی را ملتهب تر ساخت. سقوط ارزش لیر در بین دو انتخابات و سقوط ارزش سهام در بازار بورس، جو ناامنی و بی اعتمادی را دامن زد.

در نتیجه:

بخشی از آرای حزب حرکت ملی - MHP - به سمت AKP رفت. آرای این حزب ۲۲ درصد افت کرد و از ۸۰ کرسی به ۴۱ کرسی مجلس دست یافت. (این حزب که در سال ۱۹۸۹ به وجود آمده، حزبی راستگرا و پان ترکیست است، که ناسیونالیسم رمانتیک ترکی را با اسلام حنفی تلفیق کرده است و پایه های سیالی با حزب عدالت و توسعه در میان اقشار محافظه کار شهری و بورژوازی دارد.) بخشی از بورژوازی و نیروهای محافظه کار کردستان که از پیروزی های کوبانی و سیاست های رادیکال آن مبنی بر ایجاد کانتون های خود کفا (روژآوا) ترسیده بودند، صفوف HDP را ترک کردند. این حزب ۱۸ درصد آرای خویش و ۲۱ نماینده از ۸۰ را از دست داد. در شهرها، کسبه و پیشه وران و بخشهای پائین بورژوازی که از سرگیری درگیری ها را برای کسب و کارشان مضر می دانستند، قدرت مطلقه و امنیتی حزب عدالت و توسعه را ترجیح دادند. این تاکتیک ها توانست نتیجه انتخابات زودرس را بنفع AKP تغییر دهد. این حزب با کسب نزدیک به ۵۰ درصد آرا و ۳۱۷ نماینده، اکثریت را به دست آورد، بدون آنکه حد نصاب لازم را برای تغییر قانون اساسی در اختیار داشته باشد. توافق حزب دموکراتیک خلق ها با حزب جمهوری خواه خلق (این حزب - CHP - که بنوعی میراث دار آتاتورک است، قدیمی ترین حزب ترکیه با گرایشاتی ملی گرایانه - سوسیال دموکراتیک و لائیک است که واجد ۲۵ تا ۳۰ درصد آرا می باشد.) در پارلمان می تواند تا حدی جلوی بلند پروازی های اردوغان را بگیرد.

با مشاهده تصفیه های ارتش و جنبش گولن (هیزمت)، ردپای «دولت پنهان» یعنی سازمان های موازی و درهم آمیختگی آنها با دولت حاکم را می توان نشان داد. در سال های دهه ۹۰، قتل ها و ترورهای که متوجه رهبران چپ گرا و کردها بود؛ هیچگاه توسط دولت و مقامات رسمی اعلام نشد. گروه های مخفی و موازی، جوخه های ترور اولترا ناسیونالیستی، در خدمت دستگاه امنیتی (MIT)، هزاران نفر از روشنفکران، چپ ها و کردها را قتل عام کردند. این به اصطلاح «جنگ کثیف» امروزه دوباره در هیأت گروه های داعشی و جهادی و شبکه های اولتر ناسیونالیستی به صحنه بازگشته اند. اردوغان برای حفظ قدرت به زوایای تاریک یک دولت و ساختار نظامی - امنیتی رو آورده است. ظهور مجدد شعارهای ناسیونالیستی برادر و دیوار مناطق کرد نشین و برپائی جوخه های آدمکشی، فضای سال های ۹۰ را دوباره زنده کرده است. سیدات پکر (Peker) چهره شناخته شده مافیائی - پان ترکیست - که سال ها از صحنه خارج شده بود، امروز وارد صحنه شده و در میتینگ مشترک با اردوغان شرکت کرده است. پکر در این میتینگ انتخاباتی، وعده «رودخانه های خون» به انتخاب کنندگانی میداد که به AKP رأی ندهند. بعد از انتخابات ماه نوامبر، سازمان های

حقوق بشر در ترکیه، خبر از کشتارهای دست جمعی در مناطق کردنشین داده اند. در سور - نصیبین - دارگجیت - مردم را وادار به ترک خانه و زندگی اشان کرده اند و خانه هایشان را بمباران نموده اند. تنبیه جمعی و نقض مداوم حقوق بشر توسط گروههای مسلح شبه نظامی فاشیست و یا جهاد گرا مانند « تیم اسدالله» به امری مداوم تبدیل شده است. بر طبق اطلاعیه همین منابع حقوق بشری، در فاصله ۲۴ ژوئیه تا دسامبر ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۰ غیر نظامی کرد در درگیری های بین نیروهای دولتی و چریکهای کرد کشته شده اند. در مجموع نزدیک به ۳۰۰۰ تن دستگیر شده اند. قانون « بسته امنیتی داخلی» دست پلیس را برای هر تجاوزی به حریم خصوصی و عمومی باز کرده و بهانه ای برای جلوگیری از تجمعات مخالفان حکومتی شده است. بیش از صد گردهمایی ممنوع شده، بدون آنکه شرایط اضطراری توجیهی داشته باشد. هواخواهان حقوق بشر، رهبران سندیکائی و حزبی زیر ضرب و فشار قرار گرفته اند و قتل های زنجیره ای رهبران و مسئولین چپ و پ ک ک - توسط پلیس موازی ادامه دارد. قریب یک میلیون و سیصد هزار نفر از مردمی که عمدتاً در شهرهای کردستان زندگی می کنند، هدف این سرکوبها قرار دارند. رئیس جمهور و نخست وزیر ترکیه با اظهار اینکه « کلیه مخالفان خود را در سنگر ها دفن خواهند کرد.» و یا « هدف نابودی تمام جنگجویان PKK است» (۱۷ دسامبر ۲۰۱۵) - آمران و عاملان این کشتارها محسوب می شوند. صلاح الدین دمیرتاش، رهبر حزب دموکراتیک خلقها، نیروهای امنیتی ترکیه را متهم کرده که در مناطق کردنشین این کشور دست به کشتار زده اند. دمیرتاش گفته است که نیروهای امنیتی ترکیه روز یکشنبه ۷ فوریه به شهر جزیره در استان شرناق حمله کردند و حداقل ۶۰ نفر زخمی را که در ساختمانی پناه گرفته بودند، کشتند. دمیرتاش گفته است که مقام های دولت ترکیه تلاش کرده اند این مسئله را پنهان کنند. رهبر حزب دموکراتیک خلقها گفته است که اجساد کشته شدگان از محل منتقل کرده و در خیابانهای مختلف و خانه های مخروبه قرار داده اند.

ترکیه ای که امروزه می خواهد پا در جای ژنرالهای دهه ۹۰ بگذارد، به مراتب شرایط خطرناک تری را تداعی می کند. در خاورمیانه ای که دستخوش جنگ داخلی و ظهور داعش و سقوط دولت های پایدار است و تضاد های ارتجاعی قومی - ملی و مذهبی، همه همسایگان ترکیه را در عراق و سوریه و یمن و لیبی و مصر در نور دیده، ظهور گروههای ترور که در خدمت قدرت اردوغان قرار گرفته اند، بمراتب غیر قابل کنترل تر از سابق هستند.

اسلام «معتدل» اردوغان می رود به اسلام خلافتی نزدیک شود. او پیروانش را به مرتجعانی تبدیل می کند که اسیر کیش شخصیت و ایدئولوژی مذهبی و ناسیونالیستی می گردند. در منظر این هواداران متعصب، سقوط استاد بزرگ (بویوک اوستا) سقوط مذهب و ملت است. لفاظی های پر خاشجویانه - بیگانه ستیز و عظمت طلبانه او، بازی خطرناکی است که دموکراسی نیم بند ترکیه را از درون در معرض خطر قرار داده است.

وضعیت اقتصادی و به ویژه سیاسی نا مساعد ترکیه و شکست سیاست های ارتجاعی حکومت ترکیه در منطقه که با زیگزاگ های متعدد همراه بوده است، این بار در چرخش به راستی دیگر، در پیوند با ناتو و غرب و اسرائیل (۳)، می خواهد در نقش ژاندارم منطقه، با حفاظت از منافع سرمایه داری در ترکیه، جای پای خویش را نه تنها در منطقه مدیترانه و خاورمیانه، بلکه در قفقاز و آسیای مرکزی محکم نماید. سیاست « صفر مسأله با همسایگان» جای خود را با سیاستی تهاجمی عوض کرده است. پیوند منطقی آن در داخل، سرکوب کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان معترض و توده های کرد و سازمان های آنها را در دستور کار قرار داده است.

دخالت نظامی امپریالیسم روسیه در سوریه و تجهیز تسلیحاتی بی سابقه ای که این کشور در منطقه نموده، چالشی خطرناک برای ناتو و ترکیه، نزدیک ترین همسایه آن محسوب می شود. ترکیه با ساقط کردن هواپیمای روسی، وارد معادله ای خطرناک با روسیه گردیده است. طرح دو نماینده پارلمان روس، مبنی بر لغو قرار داد ۱۹۲۲ مسکو - که بین بلشویکها و آتاتورک بسته شده بود - تهدیدی ضمنی برای حاکمیت ترکیه در مناطق جنوبی قفقاز است. این قرارداد به همراه قرارداد برست لیتوسک با آلمان، حاوی امتیازاتی بود که روسیه بلشویکی به ترکیه و آلمان برای خروج از جنگ اول و نجات خویش در جنگ داخلی داده و تا به امروز زیر سؤال نرفته بود. طرح امروزی آن، تهدیدی آشکار علیه ترکیه است. اعلام ترکیه جهت تدارک آماده کردن نیروی زمینی به همراه عربستان

برای مداخله در سوریه و تشدید بمباران مناطق کرد نشین سوریه، جنگی نیابتی را بین دو امپریالیسم غرب و روسیه نوید می دهد که وقوع آن ابعاد فاجعه آمیز تری را برای مردم منطقه بوجود می آورد.

سوالی را که می توان طرح کرد، این است که : آیا سکوت تا کنونی ارتش ترکیه را باید به معنی همگامی او با اردوغان و حزب عدالت و توسعه او دانست یا به معنی اینکه اردوغان توانسته کاملاً ارتش را به زیر فرمان خود درآورد؟ احتمال این شق اخیر به نظر کم است. یک حالت دیگر قابل تصور است: سران ارتش (و نیز احزاب سنتی مخالف اردوغان) از وضعیت راضی نیستند اما مترصد فرصتی برای عمل به ضد اردوغان و حزب او هستند (که هنوز به رغم ریزش بزرگترین حزب رسمی ترکیه است). می توان گفت در بررسی چشم انداز آینده ترکیه، وضع اقتصادی این کشور و از آن مهم تر ناراضی توده ها از سیاست پان اسلامیستی – پان ترکیستی – شووینیستی و عظمت طلبانه اردوغان، حدت یابی مسأله کردها و به ویژه خواست های اقتصادی – اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر ترکیه اهمیت خاصی دارند.

در این جا هم مثل همه جای خاور میانه، راه برون رفت از این بن بست و بحران، اتحاد کارگران و زحمتکشان ترک با مردم زحمتکش کردستان است. کارگران ترکیه باسنت سندیکائی و تشکیلاتی و مبارزاتی خویش جای مهمی در این اتحاد دارند و با گذر از گرایش های ناسیونالیستی – پان ترکیستی و پان اسلامیستی، می توانند راهگشای این اتحاد و مبارزه علیه رژیم سرمایه و جهل اردوغان باشند.

(۱) احمد داوود اغلو وزیر خارجه ترکیه گفت که صد و ده سال پیش یمن ، ارزروم و بنگازی یک کشور بوده اند، وقتی ما این مطلب را می گوئیم به ما می گویند که ترکیه به دنبال نو عثمانی گری است. به گزارش خبرگزاری «تابناک»، وزیر خارجه ترکیه اضافه کرد چرا به کسانی که اروپای واحد را تشکیل داده اند این را نسبت نمی دهند و آنان را احیاگر امپراتوری روم نمی دانند؟ چه اشکالی دارد که ترکیه به دنبال ایجاد جغرافیای واحد خاورمیانه باشد؟ داوود اغلو همچنین معتقد است بدون اینکه ترکیه وارد جنگ با کشوری شود و بدون اینکه طمع به سرزمین های دیگران داشته باشد می تواند یک بار دیگر ساریوو را به دمشق و دمشق را به باتوم متصل کند. او می گوید این نقطه قوت ماست. وزیر خارجه ترکیه اضافه کرد که صد سال پیش یمن و ارزروم و بنگازی یک کشور بودند اگر چه امروزه کشورهای متفاوتی به نظر می رسند. ما افتخار می کنیم به گذشته و امپراتوری عثمانی و ایوبی. اما چشم طمع به سرزمین هیچ کشوری نداریم. چرا ترکیه که به دنبال خاورمیانه واحد است را متهم به عثمانی گری می کنند؟

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1913597>

(۲) شروع جنبش سندیکائی ترکیه تقریباً به آغاز سده بیستم می رسد. اما تاریخ سندیکاهای معاصر ترکیه از سال ۱۹۴۷ است که در آن سال قانونی مبنی بر آزادی تشکل کارگری، بدون حق مذاکره جمعی و بدون حق اعتصاب، تصویب شد. اکنون در ترکیه اتحادیه ها و کنفدراسیون های سندیکائی متعددی وجود دارند که ۴ کنفدراسیون سندیکائی مهم آن از این قرارند:

الف) کنفدراسیون اتحادیه های کارگری ترکیه (تورک- ایش TÜRK-İŞ) که در سال ۱۹۵۲ از اتحاد شماری سندیکای صنعتی و خدماتی به وجود آمد و اکنون حدود یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار عضو دارد. بخش مهمی از کارکنان مؤسسات عمومی عضو سندیکاهای تشکیل دهنده این کنفدراسیون هستند. تورک- ایش عضو کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری ITUC و کنفدراسیون اروپائی اتحادیه های کارگری ETUC است. این کنفدراسیون موضعی محافظه کارانه و سازشکارانه در برخورد به دولت و کارفرما دارد. تکیه تورک – ایش بر «فعالیت قانونی»، «گفتگوی اجتماعی (گفتگو با کارفرما)»، «آرامش محیط کار» و «ثبات کشور» است. تورک - ایش تنها سازمان سندیکائی است که در کودتای ۱۹۸۰ کنا ن اورن ترکیه به حیات خود ادامه داد.

ب) کنفدراسیون اتحادیه های کارگری انقلابی ترکیه (دیسک DİSK). این کنفدراسیون در سال ۱۹۶۷ با انشعاب برخی اتحادیه ها از تورک-ایش، تشکیل شد و بعدها اتحادیه های دیگری به آن پیوستند. دیسک اکنون حدود ۳۲۷۰۰۰ عضو دارد. این کنفدراسیون سندیکائی بر اساس مواضع چپ و رادیکال مبارزه جویانه به وجود آمد و در سازماندهی بسیاری از حرکات بزرگ کارگری در دهه

۱۹۷۰ تا سال ۱۹۸۰ شرکت داشته است. این سازمان بارها از سوی پلیس و ارتش ترکیه مورد یورش و سرکوی قرار گرفت. در کودتای ۱۹۸۰ بسیاری از اعضای این کنفدراسیون دستگیر و به حبس های طولانی محکوم شدند و فعالیت های این کنفدراسیون ممنوع شد.

اعضای تشکیل دهنده این کنفدراسیون سندیکائی از رهبران حزب کارگر ترکیه (سوسیالیست) بودند که در عین حال رهبری برخی اتحادیه های کارگری را بر عهده داشتند. این حزب در سال ۱۹۸۷ با حزب کمونیست ترکیه وحدت کرد. در سال ۱۹۹۱ منع فعالیت این کنفدراسیون بر طرف شد. دیسک، مانند تورک- ایش مرکب از سندیکاهای صنایع و خدمات مختلف است و اساسا در واحدهای متعلق به بخش خصوصی فعالیت دارد.

پ) کنفدراسیون اتحادیه های واقعی کارگری ترکیه (هاک - ایش HAK-İŞ) در سال ۱۹۷۶ تشکیل شد و ۳۴۰ هزار عضو دارد. این کنفدراسیون به ایدئولوژی اسلامی حزب نجات ملی نزدیک بود. رویکرد این کنفدراسیون مبتنی بر هماهنگی بین کارگر و کارفرما و پرهیز از برخورد رو در رو است.

ت) کنفدراسیون اتحادیه های کارکنان بخش عمومی (KESK). این کنفدراسیون در سال ۱۹۹۵ تشکیل شد و ۳۰۰ هزار عضو دارد. این کنفدراسیون عضو کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری ITUC و کنفدراسیون اروپائی اتحادیه های کارگری ETUC است.

منبع: (اتحادیه های کارگری در ترکیه، نوشته دمت شاهنده دینلر ۲۰۱۲ <http://library.fes.de/pdf-files/id-moe/09536-20121221.pdf> - ویکی پدیا

(۳) علیرغم چرخشی که ترکیه بعد از وقایع بهار عربی، در نزدیکی به کشورهای عرب مسلمان کرد، بواسطه منافع اقتصادی عظیمی که با اسرائیل دارد، روابط مهم تجاری اش را با آن حفظ کرد. مبادله تجاری ترکیه و اسرائیل از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ سه برابر شد. و از ۱,۳ میلیارد دلار به ۴ میلیارد دلار رسید. سردی روابط، حتی مانع از آن نشد که در ۵-۶ سپتامبر ۲۰۰۷ هواپیماهای اسرائیل از حریم هوائی ترکیه عبور کرده و تأسیسات هسته ای سوریه (ال-کیبار) را بمباران کنند. در ازای آن اسرائیل ۱۰ هواپیمای بدون سرنشین (drone) به ترکیه ارسال کرد که در جنگ علیه کردها بکار گرفته شد. زیر فشار آمریکا که خواهان حفظ پایگاه های مطمئن خود در خاورمیانه است، این دو متحد نزدیک آمریکا به بهبود روابط خود پرداختند. اوباما در سفر ماه ماری ۲۰۱۳ خود به اسرائیل، نخست وزیر اسرائیل را وادار کرد که مراتب عذر خواهی خویش را از بابت کشتن ناوی های ترک در جریان حمل کمک های انسانی به غزه (ناو مرمره) ابراز کند. و متعهد پرداخت غرامت گردد. در پی کشف نفت و گاز در مناطق دریائی تامار (tamar) و لویاتان (leviathan) در سواحل مدیترانه نزدیک به لبنان- قبرس-اسرائیل- فلسطین - مصر و ترکیه در ۱۳ کیلومتری حیفا در ۲۰۱۰، ترکیه در عین رقابت برای دست یافتن به این منابع، امیدوار است که با کمک و همکاری با اسرائیل، نقش مهمی در ارسال این گاز به اروپا بازی کند. اختلاف برسر تعیین حدود این حوزه های نفتی و گاز بین کشورهای ساحلی سوژه جدیدی برای تنشج در این منطقه ای است که موضوع مورد مجادله کم ندارد. ۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در این حوزه ها و استخراج آن، اسرائیل را از واردات انرژی بن نیاز می کند. اسرائیل از هم اکنون با فرستادن ناوهای جنگی به منطقه و عقد قرار داد امنیتی با قبرس بسرعت، بخش قابل ملاحظه ای را مورد بهره برداری قرار داده است. باید اضافه و تأکید کرد که مسأله انرژی در مبارزه کنونی، بین ایران و ترکیه و عربستان و اسرائیل، پیش زمینه ای است که در بستر آن تمام این تضادهای سیاسی و مذهبی گره خورده اند.

- جنبش کارگری ترکیه و تشکل های سراسری
کاري از گروه تحقیقات و پژوهش کانون مدافعان حقوق کارگر
- <http://www.kanoonm.com/1676>
- www.2shared.com/document/uANcGwuN/turkyen.htm
- دیدگاه نو
- <http://didgahenow.com/1394/08/15/turkey-election>
- چهارده سال، پس از تأسیس «حزب عدالت و توسعه» از موفقیت همه جانبه تا ورشکستگی کامل
- نوشته: محمد نورالدین، استاد دانشگاه در ترکیه_ ترجمه: احمد مزارعی ۱۶/۸/۲۰۱۵ – مجله اینترنتی هفته
"خاورمیانه نوین" نام جدید "امپراطوری عثمانی" رضا نافیعی- اخبار روز
- مجمع تشخیص مصلحت نظام- مرکز تحقیقات استراتژیک «پژوهشکده»
شاخص های اصلی و جایگاه جهانی ترکیه در سال ۲۰۲۳ میلادی
- مقاله پژوهشی: فهرست داعش - ترکیه
دیوید ل. فیلیپس - مترجم: ابوالقاسم گلستانی
- اخبار
روز: www.akhbar-rooz.com
شنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۴ - ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵
- Le mouvement Gülen, une énigme turque
par Ali Kazancigil, mars 2014
Politologue, codirecteur de la revue de géopolitique *Anatoli*, CNRS Editions,
Paris.
- تازه های اقتصاد - سال هشتم، شماره صد و بیست و هفت www.sid.ir
ترکیه، اصلاحات ساختاری
- بررسی اجمالی زمینه شکل گیری اعتراضات کنونی در ترکیه--گروه پروسه- سولماز بهرنگ- ژوئن
۲۰۱۳

پیوست

برخی آمارهای اقتصادی ترکیه

تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار به قیمت جاری)

سال	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۰۱	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
تولید ناخالص داخلی	۲۶۹	۲۴۹	۲۶۶	۱۹۶	۲۳۲	۳۰۳	۳۹۲	۴۸۳	۵۳۰	۶۴۷	۷۳۰	۶۱۴	۷۳۱	۷۷۴	۷۸۸	۸۲۲	۷۹۸	۷۲۲
رشد (درصد)	۲,۳	-۵	۶	-۵,۷	۷,۸	۵,۸	۸,۲	۷,۴	۵,۳	۴,۵	۱,۱	-۴,۷	۸,۲	۸,۵	۲,۶	۳,۸	۳,۱	۳,۵

(منابع: Trading Economics ، Knoema ، indexmundi و بانک جهانی) طبق داده های بانک جهانی، تولید

ناخالص داخلی ترکیه به قیمت های ثابت ۲۰۰۱، از دسامبر ۲۰۰۱ تا دسامبر ۲۰۱۳ حدود ۸۰٪ افزایش یافته است.

منبع: <http://www.worldbank.org/content/dam/Worldbank/document/eca/Turkey-Snapshot.pdf>

تشکیل سرمایه پایدار ناخالص (میلیارد دلار) و نسبت آن به تولید ناخالص داخلی از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴

سال	۲۰۰۱	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
تشکیل سرمایه پایدار ناخالص	۳۱	۳۹	۵۱	۷۸	۱۰۱	۱۱۷	۱۳۶	۱۴۶	۱۰۴	۱۳۹	۱۷۰	۱۵۸	۱۶۴	۱۶۰
درصد تولید ناخالص داخلی	۱۶	۱۷	۱۷	۲۰	۲۱	۲۲	۲۱	۲۰	۱۷	۱۹	۲۲	۲۰	۲۰	۲۰

نرخ تورم از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

سال	۲۰۰۰	۰۱	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
نرخ تورم (درصد)	۵۶,۲	۵۳,۵	۴۷,۲	۲۱,۹	۸,۶	۸,۲	۹,۶	۸,۸	۱۰,۴	۶,۳	۸,۶	۶,۴	۸,۹	۷,۵	۸,۵	۷,۷

(منبع: <http://www.inflation.eu/inflation-rates/turkey/historic-inflation/cpi-inflation-turkey.aspx>)

مزد حد اقل سالانه از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ به لیره ترک (۱)

سال	2001	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	16
مزد حداقل سالانه	۱۸۲۶	۲۸۳۷	۳۶۷۲	۵۲۰۳	۵۸۶۴	۶۳۷۲	۶۸۸۵	۷۸۴۳	۸۱۵۴	۷۹۳۷	۹۸۰۱	۱۰۹۶۲	۱۲۰۰۱	۱۳۲۳۰	۱۵۶۰۰	۱۹۷۶۴

(منبع «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD»)

(۱) نرخ رسمی لیر ترک در بهمن ۱۳۹۴ = حدود ۱۰۳۰ تومان

نرخ بیکاری در ترکیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴

سال	۲۰۰۰	۰۱	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
نرخ بیکاری (درصد)	۵,۶	۷,۲	۹,۰	۹,۱	۸,۹	۹,۵	۹,۰	۹,۲	۱۰,۰	۱۳,۰	۱۱,۰	۹,۱	۸,۴	۹,۰	۹,۹

انباشته وام خارجی (دولتی و خصوصی) ترکیه، میلیارد دلار

سال	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
جمع کل وام خارجی	۱۳۰	۱۴۴	۱۶۱	۱۷۱	۲۰۸	۲۵۰	۲۸۱	۲۶۹	۲۹۲	۳۰۴	۳۳۹	۳۹۰	۳۹۷
نسبت کل وام خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۵۶	۴۷	۴۱	۳۵	۴۰	۳۹	۳۸	۴۴	۴۰	۳۹	۴۳	۴۷	۵۰
وام دولتی خارجی (میلیارد دلار)	۶۵	۷۰	۷۴	۷۲	۷۴	۷۱	۸۲	۸۶	۸۸	۹۳	۱۰۲	۱۱۵	۱۲۰
نسبت وام دولتی خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۲۸	۲۳	۱۹	۱۵	۱۴	۱۱	۱۱	۱۴	۱۲	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
وام خصوصی خارجی (میلیارد دلار)	۴۴	۴۹	۶۶	۸۷	۱۲۱	۱۶۲	۱۸۵	۱۷۳	۱۹۰	۲۰۱	۲۲۸	۲۷۲	۲۷۲
نسبت وام خصوصی خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۱۹	۱۶	۱۷	۱۸	۲۳	۲۵	۲۵	۲۸	۲۶	۲۶	۲۹	۳۳	۳۴
نسبت وام خصوصی خارجی به کل وام خارجی (درصد)	۴۰	۴۱	۴۷	۵۴	۶۲	۶۹	۶۹	۶۷	۶۸	۶۸	۶۹	۷۰	۶۹

(با استفاده از آمار بانک مرکزی ترکیه، به نقل از Turkish Weekly، ۶ آوریل ۲۰۱۵)

جریان سرمایه گذاری خارجی در ترکیه از ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۵، میلیارد دلار

سال	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۰۱	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
ورود سرمایه خارجی	۰,۸۱	۰,۷۵	۱,۱	۳,۳	۱,۲	۱,۸	۲,۷	۱۰,۱	۲۰,۱	۲۲,۹	۱۹,۷	۸,۶	۸,۸	۱۶,۲	۹,۵	۱۲,۳	۱۲,۸	۱۶
نسبت ورود سرمایه به تولید	۰,۳	۰,۳	۰,۴	۱,۷	۰,۵	۰,۶	۰,۷	۲,۱	۳,۸	۳,۴	۲,۷	۱,۴	۱,۲	۲,۱	۱,۲	۱,۵	۱,۶	۲,۲

																			ناخالص داخلی (درصد)
--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	---------------------

انباشته سرمایه گذاری خارجی در ترکیه از ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۴، میلیارد دلار

سال	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
انباشته سرمایه گذاری خارجی	۱۷	۱۸	۱۹	۱	۱	۳	۳	۷	۹	۱۵	۸	۱۴	۱۸	۱۳	۱۹	۱۴	۱۴	۱۶	۱۶	۱۶

(منبع: UNCTAD)

سرمایه گذاری سالیانه ترکیه در خارج از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴، میلیارد دلار

سال	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
سرمایه گذاری سالیانه در خارج	۱,۵۵	۱,۴۷	۲,۳۰	۴,۱۱	۳,۵۳	۶,۶۶

(منبع: UNCTAD)

انباشته سرمایه گذاری ترکیه در خارج، میلیارد دلار

سال	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۴
کل سرمایه گذاری در خارج	۱,۱۵	۳,۶۷	۴۰,۱

(منبع: UNCTAD)

تراز بازرگانی ترکیه

صادرات و واردات کالا و خدمات و کسری بازرگانی ترکیه از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴

سال	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۲۲,۳	۲۳,۹	۲۳,۳	۲۱,۲	۲۴,۰	۲۶,۳	۲۵,۶	۲۷,۱
نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۲۷,۵	۲۸,۳	۲۴,۴	۲۶,۸	۳۲,۶	۳۱,۵	۳۲,۲	۳۲,۱
کسری تراز بازرگانی (میلیارد دلار)	-۳۳,۶	-۳۲,۱	-۶,۷	-۴۰,۹	-۶۶,۶	-۴۱	-۵۴,۲	-۳۹,۹

(منبع: سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD)

وابستگی به نفت و گاز

در سال ۲۰۱۴ ترکیه ۵۴,۹ میلیارد دلار صرف واردات نفت کرده است (۲۲,۷٪ کل واردات). وابستگی ترکیه به واردات نفت حدود ۹۰٪ و به واردات گاز بیش از ۹۰٪ است. بیش از نیمی از واردات گاز ترکیه از روسیه است.

تراز حساب جاری

تراز حساب جاری یک کشور عبارت است از تراز صادرات و واردات کالا و خدمات، تراز سرمایه گذاری و خالص پرداخت های یک طرفه.

نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی شاخصی است که برای مقایسه وضعیت اقتصادی یک کشور در زمان های مختلف و یا مقایسه وضعیت کشورهای مختلف به کار می رود.

نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی ترکیه و مقدار آن که کسری این تراز در سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ را نشان می دهد در جدول زیر آمده است:

سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی (درصد)	-۶,۱	-۵,۹	-۵,۶	-۲,۳	-۶,۶	-۹,۷	-۶	-۷,۹	-۵,۷	-۴,۵
تراز کسری حساب جاری (میلیارد دلار)	-۳۲,۲	-۳۸,۲	-۴۰,۹	-۱۴,۱	-۴۸,۲	-۷۵,۱	-۴۷,۳	-۶۴,۹	-۴۵,۵	-۳۲,۵

(منبع: Trading Economics)

هزینه نظامی ترکیه (میلیارد دلار به قیمت جاری)

سال	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۰۱	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
نسبت هزینه نظامی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۳,۳	۴	۳,۷	۳,۷	۳,۹	۳,۴	۲,۸	۲,۵	۲,۵	۲,۳	۲,۳	۲,۶	۲,۴	۲,۲	۲,۲	۲,۲	۲,۲
هزینه نظامی (میلیارد دلار)	۸,۹	۱۰	۹,۸	۷,۲	۹	۱۰,۳	۱۱	۱۲,۱	۱۳,۲	۱۴,۹	۱۶,۸	۱۶	۱۷,۵	۱۷	۱۷,۳	۱۸,۱	۱۷,۶

(منبع: بانک جهانی)